

مشکلات تولید داخلی ایران

داوری ارز در مسابقه تولید-واردات

نگاه آقای احمد آزادمرد، دبیر انجمن مدیران صنایع و معادن استان یزد و عضو هیأت نمایندگان اتاق بازرگانی

تعیین نرخ ارز یکی از عوامل مؤثر و اساسی در هزینه‌ها و قیمت‌های تمام شده واحدهای تولیدی است. نوسانات نرخ ارز به عنوان یکی از خصوصیات اقتصاد کشور ما در عرصه تجارت بین‌المللی، واحدهای تولید را در قیمت‌گذاری محصولات دچار مشکل ساخته و امکان برنامه‌ریزی اصولی و صحیح را از قشر تولیدکننده - به ویژه صادرکنندگان - سلب نموده است. به طور کلی، یک صادرکننده زمانی می‌تواند محصولات خود را به کشور هدف صادر و با طرف تجاری خارجی خود قرارداد منعقد



کند که مطمئن باشد در این برهه زمانی، نوسانات نرخ ارز - از زمان عقد قرارداد تا زمان تحویل کامل مفاد آن - صدمه‌ای را متوجه وی نمی‌سازد. با توجه به این امر، وظیفه دولت و سیاست‌گذاران بخش اقتصادی کشور آن است که با برنامه‌ریزی صحیح و اصولی و با نگاهی کارشناسانه به بازار جهانی تجارت، بازارهای هدف جهانی و منطقه‌ای را شناسایی و با اعمال سیاست‌های مناسب، به حمایت از تولیدکنندگان و صادرکنندگان اقدام نمایند تا فعالیت‌های اقتصادی کارآمدی را در کشور شاهد باشیم. در حال حاضر، متأسفانه قیمت دلار توسط دولت ثابت نگه داشته شده است. این امر موجب سرازیر شدن کالاهای خارجی در بازار ایران شده که نتیجه آن، توزیع این کالاها با قیمتی ارزان در بازارهای داخلی است. این امر بیشتر شبیه به یک "خوددامپینگی" است و سبب شده تولیدکننده داخلی در دستیابی به رشد و کسب بازارهای جهانی از حرکت باز بماند. باید یادآور شد که از سال ۸۰ تا به امروز، نرخ دلار، رقمی کمتر از ۲۵ درصد افزایش داشته است، در حالی که قیمت‌ها طبق نرخ تورم سنواتی، رقمی حدود ۳۰۰ درصد افزایش داشته‌اند که چنین سیاستی موجب ارزان‌نمایی کالاهای وارداتی در مقابل افزایش هزینه‌های تولید و کاهش تدریجی قدرت تولید داخلی در قیاس با رقبای جهانی شده است. علاوه بر این، اعمال چنین سیاست‌هایی، راه را برای ورود بیشتر کالای قاچاق باز کرده است. این موارد همگی از مشکلات فضای نامناسب کسب و کار نشأت می‌گیرند. اصولاً زمانی که

از فضای کسب و کار صحبت می‌شود، این مسأله به ذهن خطور می‌کند که هدف از فضای مناسب کسب و کار، وجود مجموعه شرایطی است که بر ارکان اصلی کسب و کار، یعنی بر قیمت و کیفیت تولید بنگاه‌های اقتصادی مؤثر باشد و مدیران و یا مالکان این بنگاه‌ها نقش چندانی در کنترل آنها نداشته باشند. کاهش فساد اداری، ارتقای امنیت اجتماعی، ثبات در سیاست‌های اقتصادی، بهبود کیفیت نظام‌های قضایی و مالیاتی، افزایش کیفیت خدمات بانکی و مالی، کاهش دشواری‌های مربوط به مقررات استخدام نیروی کار و مشوق‌های دولت برای سرمایه‌گذاری، همگی می‌توانند فضای نامتقارن کنونی کسب و کار کشور را تا حدودی بهبود دهند.

هم حذف یارانه‌ها، هم افزایش مالیات؟

در کنار تمام موارد مذکور، بحث هدفمندسازی یارانه‌ها که در سال ۸۸ تصویب شد، تأثیراتی را بر صنعت و اقتصاد کشور به همراه خواهد داشت که این تأثیرات باید مورد بررسی قرار گیرند. هدفمند کردن یارانه‌ها یکی از اصول پذیرفته شده در جهان است و بیشتر کشورها این اقدام را در دهه ۷۰ میلادی به انجام رسانده‌اند. ما هم به عنوان عضوی از جامعه جهانی باید آن را اجرا کنیم، اما این اقدام نیاز به زمانی مناسب دارد، چرا که چنین اقدامی را نمی‌توان در زمانی کوتاه به انجام رسانید و از آثار و پیامدهای ناگوار آن در امان ماند. برای چنین تحولی، به زمانی حداقل ۱۰ ساله نیاز است تا بتوان پیامدهای زیان‌بار آن را به حداقل رسانید. متأسفانه هدفمند کردن یارانه‌ها در ایران، زمانی به مجلس تقدیم شد که بحران مالی، سراسر جهان را از جمله ایران فرا گرفته بود و در حالی این لایحه تصویب گردید که صنعت و معدن و به طور کلی اقتصاد کشور، همچنان گرفتار این بحران است و به تبع آن، بنگاه‌های تولیدی ایران زیر ظرفیت خود مشغول به فعالیت هستند.

حال با اجرا شدن هدفمندی یارانه‌ها که بر سایر قیمت‌ها و به ویژه دستمزدها تأثیر می‌گذارد، قیمت‌های

تمام شده بنگاه‌های تولیدی افزایش می‌یابند و از طرف دیگر، قدرت خرید مصرف‌کنندگان کاهش می‌یابد که در مجموع، موجی از رکود و کساد، بازار تولید داخلی را در بر خواهد گرفت. متأسفانه در کنار موارد مذکور، باید به این مطلب نیز اشاره شود که در بودجه دولت پیش‌بینی شده است که ۳۵ درصد از منابع درآمدی دولت از محل تحقق درآمدهای مالیاتی باشد. علیرغم آن که در اکثر اقتصادهای دنیا، درآمد مالیاتی، رکن اصلی درآمدهای دولت را تشکیل می‌دهد، اما اتخاذ همزمان چنین سیاست‌هایی، توانی را برای بنگاه‌های اقتصادی کشور - که همواره مهمترین منبع درآمد مالیاتی دولت هستند - باقی نمی‌گذارد. به یقین، سال ۸۹ سالی است که بازار ایران، محل تاخت و تاز کالاهای خارجی، چه ارزان، چه گران، چه مجاز و چه غیرمجاز خواهد بود. ■

۳ رقمی‌ها

رتبه‌های جهانی دانشگاه‌های ایرانی

بر اساس آخرین رتبه‌بندی دانشگاه‌های جهان که در سال ۲۰۰۹ اعلام شده، از میان دانشگاه‌های کشور، دانشگاه تهران در رده ۳۶۹ و دانشگاه صنعتی شریف در بین رده‌های ۵۰۱ تا ۶۰۰ جای گرفته‌اند. در این رتبه‌بندی، ۳۲ دانشگاه از آمریکا، ۱۸ دانشگاه از انگلستان و ۸ دانشگاه از استرالیا در بین صد دانشگاه برتر جهان قرار دارند. همچنین کشورهای ژاپن، آلمان و کانادا به ترتیب ۴، ۶ و ۴ نماینده را در بین صد دانشگاه اول به خود اختصاص داده‌اند. حضور دانشگاه هنگ‌کنگ در رتبه ۲۴ و دانشگاه ملی سنگاپور در رتبه ۳۰ این رده‌بندی جالب توجه است.

در این میان، وضعیت نظام آموزش عالی ایران به عنوان کشوری که هدف تبدیل شدن به قطب علمی خاورمیانه را در سر می‌پروراند، چندان جالب توجه نیست. البته پیشرفت‌ها و دستاوردهای علمی اخیر در نوع خود قابل ستایش هستند، اما باید اذعان نمود که دانشگاه‌های ایران - نه از لحاظ کمی و نه از لحاظ کیفی - قابل قیاس با بسیاری از کشورهای جهان نیستند و با جایگاه واقعی خود - به عنوان موتور محرک و منبع تغذیه بخش‌های مختلف صنعتی، کشاورزی و تولیدی - فاصله دارند.

رتبه‌بندی دانشگاه‌های جهان، بر اساس شاخص‌های مختلفی مانند تعداد استادان بین‌المللی، میزان پذیرش دانشجویان خارجی، نسبت استاد به دانشجو، تعداد مقالات منتشر شده در نشریات معتبر و میزان ارجاعات علمی به مقالات استادان انجام می‌گیرد که کشور ما در تمام مؤلفه‌های مذکور با کمبودهای اساسی مواجه است.